

Plan for “Punishing Individuals over Expressing Opinions” From Violating General Policies of the System to Contravention of Criminal Law Standards

Javad Riahi: Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Ayatollah Borujerdi University (author), Borujerd, Iran. **email:** riahi@abru.ac.ir

Alimorad Heidari: Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. **email:** a.m.heydari@um.ac.ir

The influence of celebrities and the role of scientific, cultural, political figures, etc. on public opinion and their direction, especially by using the capacities of cyberspace and the media, is one of the important and controversial issues that is sometimes considered a threat to social security and public order today. The emergence of manifestations of this influence and role-playing in the fall of 1401 AH and the subsequent bitter events caused some members of the Parliament prepare and present a plan in the winter of that year to confront and prevent the negative roles played by famous people (celebrities) and influential figures, which became known as the “Punishment of Individuals over Expressing Opinions” plan. This article, adopting a descriptive-analytical method, criticizes and examines the plan to punish individuals for expressing opinions from the perspective of the general policies of the Islamic Republic of Iran and the principles and standards of criminal law. It proves that the aforementioned plan is inconsistent with the general policies of the system in the field of decriminalization and de-imprisonment, violates the principle of quality improvement of criminal laws and the rules of the chapter on causation, and lacks comprehensiveness.

Keywords: Opinions, famous people (celebrities), corruption on earth, punishment.

How to cite this paper: Riahi, J., & Hedari, A. (2025). Plan for “Punishing Individuals over Expressing Opinions” From Violating General Policies of the System to Contravention of Criminal Law Standards. . *Rasaneh*, 35(4), 29-48. **[In persian]**

طرح "مجازات افراد برای اظهار نظر" از نقض سیاست‌های کلی نظام تا مغایرت با موازین حقوق کیفری

نوشته

جواد ریاحی*

علی مراد حیدری**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱

چکیده

تأثیرگذاری افراد مشهور (سلبریتی‌ها) و نقش آفرینی چهره‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و... بر افکار عمومی و جهت‌دهی آن‌ها به‌ویژه با استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی و رسانه‌ها، یکی از موضوع‌های مهم و بحث‌برانگیزی است که امروزه گاهی به‌مثابه تهدیدی علیه امنیت اجتماعی و نظم عمومی تلقی می‌شود. بروز جلوه‌هایی از این اثرگذاری و نقش آفرینی در پاییز سال ۱۴۰۱ و اتفاق‌های تلخی بعدی آنان موجب شد که برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در زمستان همان سال دست‌به‌کار شده، برای مقابله و پیشگیری از نقش آفرینی‌های منفی اشخاص مشهور (سلبریتی‌ها) و چهره‌های بانفوذ، طرحی را تهیه و ارائه کنند که به طرح "مجازات افراد برای اظهار نظر" معروف شد. این مقاله با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی به نقد و بررسی طرح مجازات افراد برای اظهار نظر از منظر سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران و اصول و موازین حقوق کیفری پرداخته، اثبات می‌کند که طرح مذکور با سیاست‌های کلی نظام در زمینه جرم‌زدایی و حبس‌زدایی مغایرت دارد و ناقض قاعده کیفی سازی قوانین کیفری و قواعد باب تسبیب و فاقد جامعیت است.

کلیدواژه: اظهار نظر، افراد مشهور (سلبریتی)، افساد فی الارض، مجازات.

* استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره) (نویسنده مسئول)، بروجرد،

ایران riahi@abru.ac.ir

** دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد،

ایران a.m.heydari@um.ac.ir

نحوه استناد به این مقاله: ریاحی، جواد وحیدری، علی مراد (۱۴۰۳). طرح "مجازات افراد برای اظهار نظر" از نقض سیاست‌های کلی نظام تا مغایرت با موازین حقوق کیفری. رسانه، ۳۵(۴)، ۲۹-۴۸.

مقدمه

آغاز دوران ریاست جمهوری دولت سیزدهم، هم‌زمان با دوران افول تدریجی شیوع بیماری کرونا در کشور بود. در این دوران به تدریج محدودیت‌های کرونایی رفع شده، امور اجتماعی کم‌کم به حالت عادی بازگشت. اگرچه این فضای جدید، نویدبخش شروعی تازه بر فعالیت‌های اجتماعی، رونق کسب‌وکار و بازگشت نشاط و احیای کیفیت آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها بود، اما فضا به شدت شکننده به نظر می‌رسید و بیم آن می‌رفت که شبکه‌های تلویزیونی معاند و عناصر مغرض فعال در فضای مجازی از این شرایط سوءاستفاده کرده، با تحریک مردم به اعتراض و آشوب، جو به نسبت آرام جامعه را به وضعیت دوران پیش از محدودیت‌های کرونایی در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ بازگردانند.

سرانجام، آنچه موجب نگرانی بود، در عمل واقع شد. ماجرای گشت ارشاد تهران در شهریور ۱۴۰۱ سبب شد تا رسانه‌های معاند و شبکه‌های مغرض با تحریک احساس و عاطفه مردم و دمیدن در کوره اعتراضات، آتش تفرقه و شورش و اغتشاش را شعله‌ور کنند و به دنبال آن، تعداد زیادی از مردم و نیروهای انتظامی و امنیتی جان یا سلامت خود را از دست دادند و اموال عمومی و خصوصی گرفتار تحریک و تخریب شد.

در این میان، آنچه بیش از گذشته خودنمایی می‌کرد، حضور فعال و نقش‌آفرینی چهره‌های مشهور و افراد سرشناس از قبیل برخی از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و فعالان فرهنگی-اجتماعی، بازیگران سینما و تلویزیون، ورزشکاران و فوتبالیست‌ها به‌ویژه در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بود که به حمایت از استمرار اعتراضات می‌پرداختند و گاهی هم‌نوا با رسانه‌های معاند خارج از کشور، مردم را به‌طور صریح یا ضمنی به آشوب و تخریب و تحریک تشویق می‌کردند و یا اقدامات پلیس و نیروهای امنیتی را غیرقانونی توصیف می‌کردند.

برای مثال، برخی از هنرمندان سرشناس "شرایط جامعه را حاوی روزهای پر از خشم، بغض و اشک" خوانده، از مسئولان حکومتی خواستند که با مردم "با خشونت" برخورد نکنند. همچنین، کارگردان دیگری که دارنده جایزه اسکار بود، با انتشار ویدئویی از خود به زبان انگلیسی از هنرمندان و روشنفکران جهان خواست با "دادخواست به حق مردم ایران" همراهی و اعلام همبستگی کنند و برخی دیگر از کارگردانان، وضعیت آن روزهای ایران را "روزگار باروت" خواندند. به‌جز مردان فعال در عرصه سینما و تلویزیون، زنان بازیگر نیز واکنش‌های خبرسازی نشان داده، با انتشار ویدئوهای خود در وضعیت بدون پوشش روسری، با صراحتی کم سابقه نسبت به کلیت نظام و حاکمیت انتقاد کردند (یورونیوز، ۲۰۲۲).

علاوه بر چهره‌های هنری، تعدادی از ورزشکاران مشهور نیز با بیان خود، مردم را تحت تأثیر قرار می‌دادند؛ مانند یکی از فوتبالیست‌های معروف که پیام‌های مکرر وی در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌گشت و یا فوتبالیست دیگری که در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «این را در

مغزتان فرو کنید جانیان؛ ما ساکنان هزاران ساله این سرزمین ایم. ما فردای مغول‌ها را دیده‌ایم، برگور شما هم خواهیم ایستاد». یکی از اسطوره‌های فوتبال ایران هم در صفحه اینستاگرامی خود نوشت: «وطنم ایران یعنی ناموسم، پدر و مادرم، دخترانم و هم‌وطنانم، خواهران و برادران من هستند، تا ابد کنارشان می‌مانم. به جای سرکوب، خشونت، دستگیری، انگ اغتشاشگرزدن به مردم ایران، مشکلاتشان را حل کنید» (یورونیوز، ۲۰۲۲).

از سوی دیگر، بسیاری از کاربران و فعالان فضای مجازی، به رفتار دوگانه سلبریتی‌ها و اکثش نشان داده و ابراز داشتند که چرا سلبریتی‌های داخلی و خارجی، چشمان خود را به بزرگ‌ترین خشونت‌ها و کشتارها از فرانسه در قلب اروپا گرفته تا نقاط مختلف جهان مانند فلسطین و یمن بسته‌اند؟ (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۲).

همچنین، بسیاری دیگر افراد از جمله کاربران داخلی، رفتارها و گفتارهای تحریک‌آمیز سلبریتی‌ها را نوعی سودجویی و فرصت‌طلبی تفسیر کردند؛ زیرا آنان که شهرت خود را مدیون حمایت‌های مردم و فرصت‌هایی هستند که نظام در اختیار آن‌ها گذاشته است، اما به جای در نظر گرفتن منافع ملی و مصالح مردم، به نوعی قدرناشناسی کرده، آب به آسیاب دشمن ریختند. اعتراض‌های اجتماعی و اغتشاش‌هایی که در پاییز ۱۴۰۱ به اوج خود رسیده بود، با شروع زمستان آن سال فروکش کرد و آرامش نسبی به جامعه بازگشت و فضایی برای بررسی و آسیب‌شناسی حوادث پیش آمده و عوامل و پیامدهای آن فراهم شد. در این میان یکی از عواملی که به نظر می‌رسید در تهییج احساس و جهت‌دهی به افکار عمومی نقش برجسته‌ای داشت، اعلام‌نظر افراد بانفوذ و سرشناس و مشهور، مانند بازیگران سینما و تلویزیون، ورزشکاران و فعالان شبکه‌های مجازی بود.

این امر برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی را بر آن داشت تا با پیشنهاد طرح الحاق یک ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) که به طرح "مجازات افراد برای اظهار نظر" معروف شد، راه تکرار نقش‌آفرینی‌های خطرناک چنان اشخاصی را در اعتراضاتی احتمالی بعدی مسدود کنند. نمایندگان پیشنهاددهنده، هدف از طرح را این‌گونه توضیح می‌دهند:

خیلی از مواقع می‌بینید یک هنرپیشه در سال‌های گذشته، آمده مطالبی ضد امنیت ملی منتشر کرده، ولی هنوز در صداوسیما ما به کار گرفته می‌شود. ما در نظام مدیریتی کشور باید به این مدیران ایراد بگیریم که چرا به این افراد فضا می‌دهند. عناوینی مانند "آمر"، "مسبب"، "سبب" و "تهییج به اغتشاش" در حقوق وجود دارد که بر اساس این‌ها می‌توان سلبریتی‌ها و همه کسانی را که به نوعی ترویج آشوب کرده و نظم و امنیت عمومی را به مخاطره انداخته‌اند، مجازات کرد. اتفاقاً در اغتشاشات باید بیشتر از همه با مسببان و تهییج‌کنندگان غارت اموال عمومی برخورد کرد. اگر کسی تشویش اذهان عمومی کند، ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی صراحت دارد که اگر این تشویش به صورت عمده باشد، افساد فی الارض است و افراد به‌طور قطع به واسطه قوانین

موجود، قابل مجازات هستند البته به جز بخش کیفری از نظر حقوقی هم قابل پیگیری هستند. مثلاً در اغتشاشات اخیر تعداد قابل توجهی آمبولانس آتش زده شده است. قیمت هر آمبولانس هم چندین میلیارد تومان است. به غیر از امکانات و تجهیزات بسیاری که دارد، در ضمن هم افرادی در داخل آن بودند که مورد سوء قصد قرار گرفته اند. حالا خدای نکرده شهید یا مجروح شده اند. دیه این افراد را چه کسی باید بدهد؟ مسئولیت پرداخت این خسارات بر عهده چه کسی است؟ همه می گویند دولت، ولی چرا دولت؟ کسی که این کار را انجام داده است باید پرداخت کند. چه کسی این کار را انجام داده است؟ همان فردی که آمده آمبولانس را آتش زده، اما وقتی در قضیه عمومی مردم تحت هیجانات فردی یا افرادی می آیند کاری را انجام می دهند، آن کسی که این ها را برانگیخته مسئول است. بنابراین ضروری است که افرادی که نسبت به تهییج جوانان و اقشار جامعه اقدام می کنند، به اشد مجازات محکوم شده و علاوه بر مجازات به پرداخت خسارات وارده به بیت المال محکوم شوند. بنابراین، ضروری است یک ماده به قانون مجازات اسلامی الحاق شود تا ضمانت اجرای قوی جهت برخورد با این گونه ناهنجاری های اجتماعی پیش بینی شود (معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱: ۳).

با این همه، هر چند سوء استفاده اشخاص از مقام و موقعیت اجتماعی خویش و ارتکاب رفتارهای غیرمسئولانه به خصوص در شرایطی که منجر به اتلاف نفوس و اموال در سطح گسترده و عمده شود، در هر جامعه ای شدیدترین واکنش ها را برمی انگیزد و تسبیب در کشته شدن انسان های بی گناه و اتلاف اموال محترم به هیچ وجه جای دفاع ندارد، اما این امر نباید موجب شود که سیاست گذاری در قبال آن، بدون توجه به اقتضای تقنین و محدودیت های جرم انگاری و کیفرگذاری و اغلب متأثر از عواطف و احساس، هر چند محترم، یا شرایط خاص اجتماعی، هر چند قابل درک، صورت پذیرد.

این در حالی است که دقت در مفاد طرح "مجازات افراد برای اظهار نظر"، این فرضیه را تقویت می کند که طراحی و تدوین آن اغلب با تأثیرپذیری طراحان طرح یادشده از ابعاد احساسی خسارت های جانی و مالی وقایع پاییز ۱۴۰۱، به ویژه آمار تلفات انسانی تنظیم شده و به گونه ای عجولانه روند تدوین و پیشنهاد را طی کرده که از دقت کافی در طراحی و تنظیم آن غفلت شده، از حیث بی توجهی به قوانین پیشین، عدم ارائه ضابطه تشخیص اجزا و شرایط تحقق جرم و دربرداشتن الفاظ و عبارت های مجمل و قابل تفسیر، شکل های زیادی را دربردارد. بنابراین، قابل پیش بینی است که این طرح در صورت تصویب در وضعیت فعلی نه تنها نمی تواند کمکی به حصول اهداف طراحان آن، مبنی بر پیشگیری از نقش آفرینی افراد سرشناس و مشهور در هدایت اعتراضات اجتماعی و وقایعی مشابه وقایع پاییز ۱۴۰۱ کند، بلکه در عمل جامعه را به طور کلی و نظام قضایی را به طور خاص، با دشواری ها و مشکلات مهم و عدیده و جدی تری مواجه خواهد کرد. از این رو، در ادامه کوشش می شود تا ایرادها و اشکال های طرح یادشده شناسایی و در پرتو اصول و موازین حقوق کیفری نقد و بررسی شود.

۱. مغایرت با سیاست‌های کلی نظام در زمینه جرم‌زدایی

یکی از سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی که در اسناد بالادستی مورد تأکید قرار گرفته، کاستن از عناوین مجرمانه است. این سیاست، به‌طور ضمنی دلالت بر این دارد که جرم‌انگاری‌های جدید نیز باید بر اساس ضرورت اجتماعی روشنی صورت پذیرد و منحصر به مواردی باشد که جز از راه جرم‌انگاری یا با افزودن جرم‌انگاری به سایر سیاست‌ها، جلب مصلحت یا دفع مفسده مورد نظر امکان‌پذیر نیست.

سیاست جرم‌زدایی نخستین بار در سیاست‌های کلی قضایی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۱/۰۷/۲۸ مقرر شد (پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۴۰۲: ۱). به‌موجب بند ۱۴ سیاست‌های کلی مزبور: «بازنگری در قوانین در جهت کاهش دادن عناوین جرایم و کاهش استفاده از مجازات زندان» یکی از سیاست‌های اعلام شده است که مسئولان ذی‌ربط باید برای تحقق آن برنامه‌ریزی و اقدام کنند.

پس از آن، علی‌رغم ابلاغ و انتشار سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله دوم تا ششم توسعه کشور، بر سیاست جرم‌زدایی تأکید نشد تا این‌که سیاست‌های کلی قانون برنامه هفتم توسعه در ۲۰ شهریورماه سال ۱۴۰۱ ابلاغ شد و سیاست جرم‌زدایی دوباره مورد توجه واقع شد^۱ و در بخش پایانی آن، لزوم غربال‌گری عناوین مجرمانه و جرم‌زدایی از موارد غیرضروری مورد تأکید قرار گرفت: «بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرایم و کاهش استفاده از مجازات زندان» (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۴۰۱: ۱).

با این وصف، طرح «مجازات افراد برای اظهارنظر»، در مغایرت آشکار با سیاست‌های کلی نظام در امور قضایی است و ثمره عمل به آن، چیزی جز افزایش غیرضروری عناوین مجرمانه نخواهد بود؛ زیرا آنچه در ماده‌واحد پیشنهادی آمده است، پیش از آن توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری شده و ضرورتی به تجریم مجدد آن نیست. به‌موجب صدر ماده‌واحد پیشنهادی: یک ماده به‌عنوان ماده (۵۱۲ مکرر) به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ / ۳ / ۲ به شرح زیر الحاق می‌شود:

ماده ۵۱۲ مکرر:

هر شخصی که دارای موقعیت شغلی، اجتماعی، سیاسی، خانوادگی، علمی، فرهنگی و نظامی جامعه است، در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، مقاله‌ها، پیام‌ها و یادداشت‌های خود در فضای حقیقی یا مجازی در مورد اموری که نیاز به اظهارنظر مراجع رسمی است و هنوز اعلام نظر رسمی نشده است، مطالبی را خلاف واقع، بیان کند که بازخورد گسترده داشته باشد و در اخلال شدید در نظم عمومی

۱. تا زمان نگارش این سطور، لایحه برنامه هفتم توسعه تهیه و به مجلس شورای اسلامی ارائه شده، اما هنوز تصویب و ابلاغ نشده است.

کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع مؤثر باشد، اگر...

با توجه به متن ماده واحده پیشنهادی، آنچه قرار است جرم انگاری شود، شامل رفتار "بیان مطالب خلاف واقع" است که دست کم باید منتهی به یکی از نتایج زیر شده باشد: «اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا اشاعه فساد یا فحشا در حد گسترده».

حال اگر به مفاد ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی^۱ دقت شود، آشکار می شود که رفتار و نتایج پیشنهادی، همان رفتار و نتایجی است که پیش از این در قالب و اجزا و شرایط لازم برای جرم افساد فی الارض به تصویب رسیده و هم اکنون لازم الاجراست. به بیان دیگر، یکی از رفتارهای مشمول جرم افساد فی الارض نشر اکاذیب است و نشر اکاذیب حسب ماده ۶۹۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی^۲ (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) و ماده ۷۴۶ آن قانون^۳ (جرائم رایانه ای) یعنی "اظهار اکاذیب یا انتساب اعمال برخلاف حقیقت" (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۱: ۶۱؛ گلدوزیان، ۱۳۹۹: ۲۰۱؛ شامبیاتی، ۱۴۰۱: ۶۹) که با وجود شرایط مقرر در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و در راستای بند "د" ماده ۱۳۴ آن قانون^۴ (از باب تعدد مجموعی) مشمول عنوان مجرمانه افساد فی الارض می شود.

۱. به موجب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی: «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها شود به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع شود مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می شود».

۲. به موجب ماده ۶۹۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده): «هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار کند یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از این که از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از یک ماه تا یک سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود».

۳. به موجب ماده ۷۴۶ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده): «هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سامانه رایانه ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از این که از طریق یادشده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت (در صورت امکان)، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد و پنجاه میلیون (۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

۴. به موجب بند "د" ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹: «در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون، عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می شود».

اگر نتایج مقرر در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی با نتایج مذکور در ماده واحده طرح پیشنهادی نیز مقایسه شود، روشن می شود که نتایج مقرر برای جرم افساد فی الارض، درست همانند آن در متن طرح پیشنهادی تکرار شده است، جز این که در ماده ۲۸۶ قانون مذکور عبارت "به طور گسترده" در ابتدای مقرر آمده، اما عبارت معادل آن در طرح پیشنهادی عبارت "باز خورد گسترده داشته باشد" است که بعد از توصیف رفتار و پیش از ذکر نتایج لازم، بیان شده است. در تأیید این برداشت، توجه به این نکته لازم است که با عنایت به تبصره ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی جرم افساد فی الارض از جمله جرایمی است که هم با قصد ابتدایی و هم با قصد تبعی واقع می شود. مطابق این تبصره:

هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیان بار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می شود.^۲ بر اساس مفاد تبصره یادشده، در خصوص متهم به جرم افساد فی الارض دو حالت قابل تصور است. یا انتساب آن جرم به وی با قصد ابتدایی یا تبعی محرز می شود که به مجازات مقرر برای افساد فی الارض محکوم می شود؛ اما اگر در خصوص متهم هیچ یک از مقاصد ابتدایی یا تبعی احراز نشد، اقدامات وی تحت عنوان جرم تعزیری مقرر در آن تبصره قرار می گیرد.

بنابراین، برای بیان مطالب خلاف واقع که منتهی به نتایج مقرر در طرح پیشنهادی شود نیز همان دو حالت قابل تصور است و چون هر دو حالت از قبل مشمول عنوان مجرمانه بوده، دیگر ضرورتی به تصویب ماده واحده پیشنهادی نیست. بدیهی است که اگر علاوه بر مقاصد مذکور وقوع نتایج مورد نظر یا اوصاف آن ها از قبیل "در حد وسیع" یا "به طور گسترده" محرز نشود، اقدام مرتکب ممکن است تحت شمول سایر عناوین مجرمانه مانند نشر اکاذیب موضوع ماده ۶۹۸ یا ۷۴۶ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) قرار گیرد و این امری است که هم در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و هم در طرح پیشنهادی به حکم آن تصریح نشده است.

بنابراین، با وجود قوانین جزایی قبلی و عناوین مجرمانه پیشین، ضرورتی به تصویب طرح "مجازات افراد برای اظهارنظر" نیست و تصویب آن به معنای اقدام و سیاست گذاری برخلاف سیاست های کلی نظام در زمینه جرم زدایی است.

۲. مغایرت با سیاست های کلی نظام در زمینه جرم زدایی

از دیگر سیاست های کلی نظام، کاهش استفاده از مجازات زندان یا همان سیاستی است که در گفتمان علمی از آن به جرم زدایی تعبیر می شود (آشوری، ۱۳۹۴). بر اساس این سیاست،

مجازات حبس باید به عنوان آخرین راه حل، یا یکی از آخرین راه حل ها استفاده شود و نباید به عنوان یک مجازات به اصطلاح دم دست مورد استفاده قرار گیرد. بلکه به عکس، برای هر جرم تعزیری باید علاوه بر حبس، مجازات های متعدد و متنوعی وجود داشته باشد تا قاضی امکان گزینش داشته باشد و بتواند به گونه ای که موجب تأدیب مرتکب باشد، مجازات را با وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی مجرم متناسب کند.

سیاست حبس زدایی در سیاست های کلی نظام که به موجب بند اول اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسط مقام رهبری ابلاغ می شوند، چندین بار مورد تأکید قرار گرفته است. نخستین بار، در سال ۱۳۸۱ و به موجب بند ۱۴ سیاست های کلی نظام در خصوص امنیت قضایی و پس از آن، در سال ۱۳۸۸ مطابق بند ۱۲ سیاست های کلی قضایی بر لزوم پرهیز از توسل افراطی به کیفر حبس تأکید شد. سپس، در سال ۱۳۹۴، سیاست های کلی برنامه ششم توسعه ابلاغ شد و به موجب بند ۶۴ این سند، «بازنگری در قوانین جزایی به منظور کاستن از محکومیت به حبس و تبدیل آن به مجازات دیگر و متناسب سازی مجازات ها با جرایم» یکی از سیاست های کلی نظام در امور قضایی معرفی شد (بهره مند، ۱۳۹۶: ۳۵۹).

در قسمت ذیل ماده واحده پیش بینی شده در طرح "مجازات افراد برای اظهار نظر" درباره مجازات مرتکب چنین آمده است:

...اگر از مصادیق افساد فی الارض موضوع ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نباشد، علاوه بر محکومیت به مجازات درجه سه، به مجازات نقدی معادل دو برابر خسارت های وارده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی محکوم می شود و مسئول جبران خسارت های وارده نیز می باشد.

با عنایت به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات درجه سه شامل «حبس بیش از ده تا پانزده سال و جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یک میلیارد و پانصد میلیون (۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال» می شود که مجازات حبس آن در مقایسه با حبس تعزیری مقرر در تبصره ماده ۲۸۶ قانون مذکور (درجه پنج: حبس بیش از دو تا پنج سال و درجه شش: حبس بیش از شش ماه تا دو سال) بسیار شدیدتر و طولانی تر است و شرایط بهره مندی محکوم علیه از نهادهایی مانند آزادی مشروط^۱ و در نتیجه کاهش مدت حبس نیز بسیار دشوارتر خواهد بود.

از این رو، طرح "مجازات افراد برای اظهار نظر" هم از حیث اصل پیش بینی کیفر حبس و

۱. مطابق ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی: «در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده حکم می تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط را صادر کند...».

هم از حیث تعیین حبس طویل‌المدت با سیاست حبس‌زدایی به‌عنوان یکی از سیاست‌های کلی نظام مغایرت دارد. به‌ویژه که مرتکبان رفتارهای مورد نظر در اکثر موارد دارای جایگاه‌ها و موقعیت‌های اجتماعی مهمی هستند و انگیزه‌های مالی نیز در گرایش ایشان به بزهکاری بی‌تأثیر نیست و از این‌رو، مجازاتی مانند محرومیت از حقوق اجتماعی، محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی مرتبط با جرم و مجازات‌های مالی نیز می‌تواند اثر بازدارندگی قابل توجهی داشته باشد.

۳. نقض کیفی‌سازی قوانین

"قطعیت قانون" و "اصل آزادی" دو مفهومی است که در ادبیات حقوقی، به‌عنوان مبانی کیفی‌سازی قوانین مطرح شده است (دریجانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۹؛ ربانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶۰). منظور از قطعیت قانون این است که غیر از نهاد قانون‌گذاری هر جامعه که مطابق قانون اساسی آن جامعه حق وضع قواعد حقوقی را دارد، دیگر نهادها و سازمان‌ها، هر چند در مقام اعمال حاکمیت، از چنان حقی برخوردار نیستند؛ از این‌رو، ضروری است که از شهروندان درباره آنچه به نام قانون از سوی چنان نهادهایی وضع می‌شود حمایت کرد. اصل آزادی نیز از حقوق اولیه هر فرد انسانی است که مورد تأکید اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر است و از مفاد اصول قانون اساسی کشور ما نیز مانند قوانین اساسی کشورهای مختلف قابل استفاده است. اصل آزادی اقتضا دارد که همواره به‌عنوان یک اصل باقی بماند و تنها در صورت ضرورت می‌تواند محدود شده، استثناهایی برخلاف آن وضع شود (مؤذن‌زادگان و رهدارپور، ۱۳۹۷: ۱۹۴).

با توجه به تعاریف به‌عمل آمده، مقصود از کیفی‌سازی قوانین کیفری آن است که در تعیین جرایم و مجازات آن‌ها، قوانین و مقررات جزایی به‌گونه‌ای دقیق، منسجم، شفاف، واضح و صریح وضع شود و به‌آسانی در دسترس افراد جامعه باشد. چنان‌که دیوان اروپایی حقوق بشر نیز کیفی‌سازی قوانین کیفری را دربردارنده سه مفهوم "قابلیت دسترسی و دقت"، "صراحت و شفافیت" و "قابلیت پیش‌بینی" قلمداد کرده و از مفاهیم یادشده به‌لزوم شفافیت قانون تعبیر می‌کند (موسوی، ۱۳۹۷: ۱).

در حقیقت، شفافیت قوانین و مقررات جزایی را می‌توان از الزامات اصل قانونمندی دانست که مستلزم آن است که قانون‌گذاری در زمینه هر یک از جرایم و مجازات با نهایت صراحت و دقت انجام شود. از این‌رو، جرم‌انگاری‌های دامنه‌دار، استعمال الفاظ چندپهلوی و کیفری - اداری شدن فرایند جرم‌انگاری و کیفرگذاری، یا به تعبیری آیین‌نامه‌ای شدن پیکره جرم و نهادهای جزایی، نشان‌دهنده روی‌گردانی از اصل قانونمندی است (صفاری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۷).

به تعبیر برخی از حقوق‌دانان، اصل قانونی بودن به همان میزان که در تعیین نوع جرم کاربرد

دارد، در تعیین نوع و میزان مجازات نیز معتبر است. اصل قانونی بودن مجازات‌ها، هم‌زمان چه برای قانون‌گذار که به تعیین مجازات‌ها می‌پردازد و چه برای دادرس که فقط به‌موجب قانون می‌تواند حکم مجازات صادر کند و چه برای مجریان که مجازات مورد حکم را اجرا می‌کنند، تکالیفی را ایجاد می‌کند (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۵۲-۵۳).

بر این اساس، امروزه، مفهوم نوینی از اصل قانونمندی یا حاکمیت قانون مطرح شده که برخلاف دیدگاه‌های قبلی، از پایه، خود "قانون" را مورد توجه قرار داده، تأکید می‌کند که برای تضمین حقوق بشر، اتکا صرف به قانون کافی نیست و رسالت مقنن با تقنین پایان نمی‌پذیرد؛ بلکه قانون‌گذار مکلف به کیفی‌سازی قانون نیز هست که به‌اندازه وضع قانون دارای اهمیت است و مستلزم پایبندی به اصل شفافیت قانون و خودداری از وضع قوانین خودسرانه و قیم‌مآبانه است (مؤذن‌زادگان و رهدارپور، ۱۳۹۷: ۱۹۴).

کیفی‌سازی قوانین مستلزم چهار اصل شفافیت، انسجام، سهولت دسترسی و اعتماد مشروع است که مورد اخیر آن، برآیند سه مورد نخست است و اطمینان شهروندان به نظام حقوقی را نشان می‌دهد. همچنین، وجه مشترک چهار اصل مذکور، آن است که قوانین برای همه افراد اجتماع قابل درک و قابل استفاده باشد و درعین حال، به‌آسانی بتوانند به آن‌ها دست یابند (ویژه، ۱۳۹۰: ۱۸۳).

از این‌رو، توسعه هنجارهای حقوقی باید در جهت رعایت منافع افراد جامعه باشد و شهروندان باید به شیوه‌ای شفاف و ساده از حقوق و تکالیف خودآگاه شوند تا بتوانند پیامدهای رفتاری خود را پیش‌بینی کنند. کیفی‌سازی قوانین این اهداف را محقق می‌سازد و با تضمین آزادی‌های مشروع و قطعیت هنجارهای حقوقی، جو اعتماد و اطمینان به نظام حقوقی را فراهم می‌سازد.

با عنایت به مفهوم و الزامات ناشی از اصل کیفی‌سازی قوانین، طرح "مجازات افراد برای اظهارنظر"، هم از حیث جرم‌انگاری غیرضروری و هم از حیث استعمال الفاظ و عبارت‌های مبهم، چندپهلوی و تفسیربردار، محل ایراد و اشکال است. ایراد اول (جرم‌انگاری غیرضرور) در قسمت پیشین بررسی شد و ایراد دوم مبنی بر استفاده از الفاظ غیردقیق و مجمل در ادامه بررسی می‌شود.

نویسندگان طرح "مجازات افراد برای اظهارنظر"، در صدر ماده واحده پیشنهادی، این جرم‌انگاری را برای هر شخصی در نظر گرفته‌اند:

که دارای موقعیت شغلی، اجتماعی، سیاسی، خانوادگی، علمی، فرهنگی و نظامی در جامعه است و در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، مقاله‌ها، پیام‌ها و یادداشت‌های خود در فضای حقیقی یا مجازی در مورد اموری که نیاز به اظهارنظر مراجع رسمی است و هنوز اعلام نظر رسمی نشده است، مطالبی را خلاف واقع، بیان کند.

حال اگر در گستره معنایی عبارت‌های به‌کاررفته در صدر ماده واحده پیشنهادی، دقت و تأمل شود، آشکار می‌شود که اغلب آن‌ها دارای ابهام بوده، معانی مختلفی از آن‌ها برداشت می‌شود. برای مثال، معلوم نیست که منظور از "موقعیت شغلی" چیست و شامل چه مشاغلی می‌شود؟ آیا وضعیت استخدامی در آن مؤثر است یا خیر؟ همچنین، مقصود از "موقعیت اجتماعی" چیست و تفاوت آن با موقعیت شغلی و "موقعیت سیاسی" چیست؟ به علاوه، منظور از "موقعیت خانوادگی" نیز روشن نیست و معلوم نیست که آیا به بزرگان و ریش سفیدان فامیل اشاره دارد یا یک شخص جوان دارای نفوذ فامیلی را هم دربرمی‌گیرد؟ این وضعیت درباره اصطلاح‌های "موقعیت علمی"، "موقعیت فرهنگی" و "موقعیت نظامی" نیز صادق است.

عبارت دیگری که ابهام فاحشی دارد، عبارتی است که پس از اصطلاح‌های یادشده آمده مبنی بر این‌که: "اموری که نیاز به اظهارنظر مراجع رسمی است". با توجه به گستردگی نهادها و سازمان‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و مداخله وسیع حکومت در همه شئون زندگی، از این عبارت می‌توان تفسیر موسعی ارائه داد؛ و در عین حال می‌توان به اعتبار دولتی یا عمومی غیردولتی بودن و یا به اعتبار اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی و یا به اعتباری دیگر، هر بار از گستره مراجع رسمی کاست و به تبع آن هر بار مفهوم محدودتری را برای عبارت یادشده در نظر گرفت.

علاوه بر این، در متن ماده واحده پیشنهادی، پس از عبارت "اموری که نیاز به اظهارنظر مراجع رسمی است"، عبارت "هنوز اعلام‌نظر رسمی نشده است" نیز قید شده که آن هم از این حیث که اعلام مراجع رسمی را به زمان نامعلومی احاله کرده، دارای ابهام است. البته در ماده واحده پیشنهادی، الفاظ و عبارات مبهم دیگری نیز مانند "اخلال شدید"، "خسارت عمده" و "در حد وسیع" وجود دارد که از رکن قانونی جرم افساد فی الارض در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی اقتباس شده و پیش از این مورد انتقاد حقوق دانان و نویسندگان قرار گرفته است و در اینجا تکرار نمی‌شود (رمضانی، ۱۳۹۲: ۵۶؛ الله‌وردی، ۱۳۹۶: ۸۷؛ موسوی، ۱۳۹۵: ۱۰۶؛ رضایی سیابیدی، ۱۳۹۶: ۹۹).

با توجه به آنچه گفته شد، طرح "مجازات افراد برای اظهارنظر"، با کیفی سازی قوانین ناسازگار است؛ زیرا کیفی سازی در امور جزایی در قالب اصل شفافیت قانون تجلی می‌یابد که بیش از هر چیز، بر لزوم پرهیز از قانون گذاری‌های مبهم، مجمل، ناقص و استفاده از الفاظ بحث برانگیز و دو یا چندپهلوی تأکید دارد؛ در حالی که طرح مذکور مملو از چنان الفاظ و عبارات مبهم است.

طرح یادشده، با دربرداشتن عبارات مبهم و الفاظ بحث برانگیز و دو یا چندپهلوی، برخلاف اصل شفافیت قوانین کیفری، موجبات تفسیرهای قضایی گوناگون از مفاد ماده واحده پیشنهادی را فراهم کرده، سبب تشتت آرای قضایی و اختلاف نظر محاکم و به دنبال آن تزلزل در اصل تساوی افراد در برابر قانون خواهد شد.

۴. عدم جامعیت ماده واحده پیشنهادی

متن ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، ارتکاب نشر اکاذیب را با رعایت قیودی مشمول عنوان افساد فی الارض دانسته و تبصره آن مقرر، مشخص کرده است که در صورت عدم احراز شرایط غیرمادی افساد فی الارض، عمل مرتکب مشمول حبس تعزیری درجه پنج یا شش قرار می‌گیرد. بدیهی است که در صورت عدم احراز شرایط و اوصاف مربوط به رکن مادی، عمل مرتکب به طور کلی از شمول ماده ۲۸۶ و تبصره آن خارج بوده، ممکن است تحت عنوان مجرمانه نشر اکاذیب مورد تعقیب و مجازات قرار گیرد.

اما در ماده واحده پیشنهادی به عبارت «اگر از مصادیق افساد فی الارض موضوع ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نباشد» بسنده شده و هیچ معیاری ارائه نشده و مشخص نشده که این عبارت ناظر به شرایط رکن مادی افساد فی الارض است یا شرایط رکن روانی و یا غیر آن.

با این حال، اقتضای تفسیر منطقی این است که این سکوت قانونی، به نفع شرایط رکن روانی جرم تفسیر شود؛ زیرا با عدم احراز یکی از شرایط مربوط به رکن مادی مانند «قیود موقعیت شغلی»، «بازخورد گسترده» یا «در حد وسیع»، از جهت منطقی اقدام مرتکب را نمی‌توان مشمول ماده واحده پیشنهادی دانست. بنابراین، این قسمت از ماده واحده پیشنهادی را نیز باید مانند تبصره ماده ۲۸۶ قانون مذکور تفسیر کرد و ناظر به شرایط رکن روانی دانست.

پس ماحصل ماده واحده پیشنهادی نیز تکرار تبصره ماده ۲۸۶ قانون یادشده است، جز این که از حیث مرتکب، به مرتکبان واجد خصوصیات مذکور در طرح پیشنهادی و از حیث رفتار به بیان اظهارنظرهای خلاف واقع محدود شده و از حیث کیفر نیز مجازات‌های شدیدتری نسبت به تبصره مزبور تعیین شده است.

بنابراین، ماده واحده پیشنهادی در صورت تصویب در مجلس شورای اسلامی، مختص تبصره ماده ۲۸۶ خواهد بود و دقت در این روابط قانونی، خود یکی دیگر از ایرادهای طرح «مجازات افراد برای اظهارنظر» را آشکار می‌کند و آن عدم جامعیت ماده واحده پیشنهادی است. بر فرض تصویب طرح مذکور، اگر بیان مطالب خلاف واقع، به دلیل عدم احراز شرایط رکن روانی (قصد ابتدایی یا تبعی)، افساد فی الارض محسوب نشود و مرتکب واجد خصوصیات مذکور در طرح پیشنهادی باشد، ممکن است مرتکب دارای اوصاف مربوط به رکن مادی در ماده واحده پیشنهادی باشد که در این صورت مجازات‌های تعزیری مقرر در طرح پیشنهادی علیه وی تعیین می‌شود؛ اما اگر مرتکب دارای اوصاف ماده واحده پیشنهادی نباشد، عمل وی مشمول تبصره ماده ۲۸۶ و مجازات تعزیری خفیف‌تر خواهد بود.

با این توضیح، اشکال جایی است که مرتکب دارای اوصاف و خصوصیات مذکور در ماده واحده پیشنهادی نباشد، اما از حیث قبح رفتاری و شدت نتایج زیان‌بار و آثار جرم بر نظم

و امنیت عمومی با آنچه در ماده واحده پیشنهادی آمده در یک حد و اندازه یا حتی فراتر از آن باشد؛ در این صورت اقدام وی مشمول تبصره ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و مجازات خفیف تر می شود و این تبعیض فاحش فاقد منطق عقلانی و حقوقی است. زیرا اوصافی که برای مرتکب در ماده واحده بیان شده فی نفسه موضوعیت ندارد، بلکه به دلیل آنچه مهم است توانایی استیلا بر افکار عمومی و هدایت آن به سمت ایجاد نتایج زیان بار است.^۱

به بیان دیگر، گاه ممکن است فردی که دارای هیچ کدام از موقعیت های مذکور در ماده واحده پیشنهادی است، همان نتایج مذکور در طرح را به همان روش ایجاد کند، اما طرح مورد بررسی قاصر از این است که چنین شخصی را شامل شود و اقدام وی در نهایت ممکن است مشمول تبصره ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی باشد.

۵. تناقض با مقررات قانونی

چنان که برخی از حقوق دانان نیز تصریح کرده اند: «به عنوان یک قاعده یا فرض سستی مقبول، باید گفت که قانون متنی مبتنی بر عقل است. خردمندی، فرزangی و حقوق دانی قانون گذار مفروض است... اعتقاد به چنین فرضی مانع از آن است که قانون به گونه ای تفسیر شود که نتیجه آن انتساب لغو و بیهوده گویی به قانون گذار باشد» (امیدی، ۱۳۹۴: ۱۴۲). از این رو، بیش از هر مرجع دیگری، این خود قانون گذار است که باید پاسدار این قاعده بوده، با وضع قواعد حقوقی حکمت آمیز و خردمندانه، جایگاه خود را به عنوان مرجع عالی تقنین در جامعه حفظ کند. این در حالی است که بررسی ماده واحده پیشنهادی از تنزل این جایگاه حکایت دارد.

بر اساس آنچه در انتهای ماده واحده پیشنهادی در طرح "مجازات افراد برای اظهارنظر" به نحو علی الاطلاق آمده است: «علاوه بر محکومیت به مجازات درجه سه به مجازات نقدی معادل دو برابر خسارت های وارده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی محکوم می شود و مسئول جبران خسارت های وارده نیز می باشد».

از این رو، ماده واحده پیشنهادی مسبب جنایات و خسارات را در هر حال ضامن دانسته است، اعم از این که اقوی از مباشر یا مباشران باشند یا نه؛ و اعم از این که قاصد باشند یا نه؛ و اعم از این که میزان تأثیر رفتار ایشان در بروز جنایات و خسارات کم باشد یا زیاد.

این در حالی است که مطابق قواعد باب موجبات ضمان در فقه اسلامی، از حیث نحوه مداخله عوامل در حدوث جنایات، حالات و صورت های مختلفی، از حیث نحوه مداخله

۱. تجربیات قبلی مربوط به اعتراضات اجتماعی و اغتشاشات سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ نیز تأیید می کند که برخی از اشخاصی که از راه شبکه های اجتماعی نقش فعالی در اثرگذاری بر افکار عمومی داشتند و به نظر مراجع قضایی اقدامات ایشان منتهی به نتایج مذکور در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی شد، هیچ کدام از اوصافی که در طرح "مجازات افراد برای اظهارنظر" برای مرتکب بیان شده را نداشتند مانند یکی از ایشان که به اعدام محکوم و حکم وی در مورخ ۲۲ آذر ۱۳۹۹ اجرا شد.

(تسبیب و مباشرت) و صورت‌های مداخله (طولی و عرضی) و از حیث قدرت تأثیر و وضعیت عدوان و قصد در نظر گرفته شده و هر حالت حکم مخصوص به خود را دارد (صادقی، ۱۴۰۱: ۲۸۰؛ میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱: ۳۱۱؛ آقایی نیا، ۱۴۰۱: ۳۱۵؛ عمید زنجانی: ۱۳۸۹، ۱۷۴) که برخی از آن نیز در مقررات قانونی منعکس شده است. از جمله، ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به‌طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد فقط سبب، ضامن است». بنابراین، آنچه در انتهای ماده واحد پیشنهادی آمده و به‌هیچ‌عنوان و صرف‌نظر از کیفیت و صورت مداخله سایر عوامل و وضعیت عدوان و قصد و میزان تأثیر سایر عوامل، مسئول جبران خسارت‌های وارده دانسته است، با اغلب قواعد باب ضمان تناقض دارد و موجب درهم‌ریختگی قواعد آن می‌شود.

نتیجه

اتفاقاتی که در پاییز ۱۴۰۱ رخ داد و از سوءاستفاده برخی از اشخاص از موقعیت‌های شغلی و اجتماعی ایشان و از فرصت تبادل اطلاعات در فضای مجازی و تسبیب در کشته‌شدن انسان‌های بی‌گناه و اتلاف اموال محترم حکایت داشت، موجب تهیه طرحی توسط برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی شد که به طرح «مجازات افراد برای اظهار نظر» شهرت یافت. با این حال، بر اساس آنچه در مطالب پیشین گفته شد، طرح یادشده از حصول اغراض طراحان آن ناتوان است و در صورت تصویب، مشکلات بیشتری را برای دستگاه قضایی ایجاد کرده، در عمل برای اعمال فشارهای حقوق بشری و انتقادهای سیاسی علیه نظام به‌مثابه مستمسکی در دست بدخواهان نظام، هزینه‌های دیگری را ایجاد می‌کند؛ زیرا این طرح برخلاف اقتضای حکمت تقنینی و اصول و موازین حقوق کیفری است و مستلزم آن است که واکنش رسمی به چنان هنجارشکنی‌هایی در چارچوب سیاست‌های کلی نظام و با رعایت کیفی سازی قوانین جزایی و لحاظ هرم قوانین جزایی باشد.

از نقطه نظر سیاست‌های کلی نظام، هرگونه قانون‌گذاری جزایی جدید و جرم‌انگاری باید

۱. ماده ۵۳۵ آن قانون نیز مقرر می‌دارد: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به‌نحو سبب و به‌صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آن‌که یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آن‌که همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود».

مستلزم ضرورتی انکارناپذیر بوده، در تعیین کیفر آن تا حد امکان از کیفر حبس اجتناب شود؛ درحالی که در تهیه طرح "مجازات افراد برای اظهارنظر"، به لحاظ این که اصل جرم موضوع طرح مذکور در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن پیش بینی شده، سیاست های کلی نظام درباره جرم انگاری را نادیده گرفته و به لحاظ این که کیفر حبس درجه سه را به عنوان بخشی از مجازات های قابل اعمال پیش بینی کرده، با سیاست کلی نظام در باب حبس زدایی مغایرت دارد.

برخلاف دیدگاه های پیشگامان مکتب کلاسیک که قانون گذار را حکیم علی الاطلاق و مصون از خطا می دانستند و از این رو، معتقد بودند که قضات باید صدای قانون گذار و مجری مصوبات قوه مقننه بوده، از هرگونه تفسیری فراتر از الفاظ قانون خودداری کنند، امروزه، بسیاری از حقوق دانان بر این باورند که قانون گذاری نیز خود تابع باید ها و نبایدهای بسیاری است و بخشی از الزامات اصل قانونمندی متوجه خود دستگاه تقنینی است.

کیفی سازی قوانین کیفری، یکی از هنجارهای مهمی است که هدایتگر قانون گذار در تدوین و تصویب قوانین جزایی است. بر اساس این اصل، قوانین جزایی باید شفاف و در دسترس افراد جامعه و عاری از هرگونه عبارت یا اصطلاحات مجمل و تفسیربردار باشد. اگر قانون گذار جامعه با وضع قوانین غیردقیق و مبهم و با استعمال الفاظ غامض و کلی، راه را برای تفسیرهای گوناگون و توسعه مدلول قانون باز گذارد، قانون فاقد کیفیت و شفافیت لازم بوده و در واقع، کیفی سازی قوانین محقق نشده است.

این در حالی است که طرح "مجازات افراد برای اظهارنظر" مملو از الفاظ و عبارات و اصطلاحات دو یا چندپهلوی و تفسیربردار و غیردقیق مانند "موقعیت شغلی"، "موقعیت اجتماعی"، "اموری که نیاز به اظهارنظر مراجع رسمی است"، "اخلال شدید" و "خسارت عمده" است که در صورت تصویب، اجرای قانون را با دشواری مواجه کرده، موجب تشتت و اختلاف آرای قضایی و در نهایت صدور احکام تبعیض آمیز و آرای مغایر اصل تساوی افراد در برابر قانون خواهد شد.

به علاوه، بررسی طرح یادشده نشان می دهد که آن از حیث جامعیت نیز دچار اشکال بوده، کلیه افرادی را که رفتار ایشان نتایج زیان بار گسترده و شدید و وسیع ایجاد می کند را دربر نمی گیرد. همچنین، در تدوین آن، به هرم قوانین جزایی دقت نشده و موقعیت ماده واحده پیشنهادی در تناسب با دیگر قواعد جزایی و مقررات کیفری، به ویژه قواعد باب موجبات ضمان و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن لحاظ نشده و در صورت تصویب، از این حیث نیز موجب اختلاف نظر و تشتت آرای قضایی خواهد شد.

بنابراین، با توجه به ایرادهای یادشده و با عنایت به وجود قوانین جزایی مکفی به خصوص ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن که در حال حاضر اقدامات اشخاص مورد نظر

در طرح مذکور را هر چند با مجازاتی کمتر از مجازات مورد نظر طرح مذکور پوشش می‌دهد، در وضعیت کنونی و بدون رفع ایرادات یادشده، تصویب طرح مذکور فاقد توجیه حقوقی و پشتوانه علمی است و از این رو، پیشنهاد می‌شود که طرح یادشده از دستور کار مجلس شورای اسلامی خارج و برای بازنگری اساسی و اصلاحات کلی به منظور طراحی یک سیاست کیفری معقول و حکیمانه نسبت به رفتارهای مجرمانه چهره‌های مشهور و اشخاص با نفوذ به مراکز پژوهشی ارجاع شود.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۹۴). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین. تهران: گرایش. چاپ سوم.
- آقای‌نیا، حسین (۱۴۰۱). جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص. تهران: میزان. چاپ نوزدهم.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰). حقوق جزای عمومی. تهران: میزان. چاپ بیست و چهارم.
- الله‌وردی، فرهاد (۱۳۹۶). تحولات مفهومی و حقوقی محاربه، افساد فی الارض و بغی در قانون مجازات اسلامی ایران. چاپ دوم. تهران: داد و دانش.
- امیدی، جلیل (۱۳۹۴). تفسیر قانون در حقوق جزا. تهران: مخاطب. چاپ اول.
- بهرمند، حمید (۱۳۹۶). سیاست حبس‌زدایی در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران. راهبرد، ۲۶ (۸۲)، ۳۵۷-۳۸۲.
- پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۴۰۲).
- <http://maslahat.ir/index.jsp?pageid=402> «دسترسی: ۱۳/۰۵/۱۴۰۲».
- پایگاه اطلاع‌رسانی دولت (۱۴۰۱). خبر. شماره ۳۹۵۹۸۲ (۲۲/۰۶/۱۴۰۱):
- www.dolat.ir/detail/395982 «دسترسی: ۱۳/۰۵/۱۴۰۲»
- خبرگزاری ایرنا (۱۴۰۲). خبر. شماره ۸۵۲۳۰۰۵۳ (۲۷/۰۶/۱۴۰۲):
- <https://www.irna.ir/news/85230053> «دسترسی: ۲۷/۰۱/۱۴۰۳»
- خبرگزاری یورونیوز (۲۰۲۲). خبر بدون شماره (۰۶/۱۰/۲۰۲۲):
- <https://parsi.euronews.com/2022/10/06> «دسترسی: ۲۷/۰۱/۱۴۰۳»
- دریجانی، میترا؛ دلیر، حمید و احمدی موسوی، سید مهدی (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی اصل شفافیت در قلمرو قانون‌گذاری کیفری ایران و ارتباط آن با حکمرانی خوب. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳ (۱)، ۱۷۴-۲۰۹.
- <https://doi.org/10.30510/psi.2020.113612>
- ربانی، محمد؛ هوشیار، مهدی و راهگشای، امیرحسین (۱۳۹۷). مبانی و تضمینات اصل قانونمندی دادرسی در نظام کیفری ایران و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، ۴۲، ۳۵۲-۳۸۰.
- رضایی سیابیدی، محمد (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل تقنینی مقصد فی الارض. تهران: قانون‌یار. چاپ اول.
- رضضانی، خیراله (۱۳۹۲). افساد فی الارض از منظر فقه شیعه و قوانین جزایی ایران. قم: بخشایش. چاپ دوم.
- سلیمانی‌ساسانی، مجید و شهبازی، مهدی (۱۴۰۲). تحلیل گرایش هواداران به سلب‌ریتی‌ها در میان کاربران ایرانی اینستاگرام. رسانه، ۳۴ (۴)، ۷۱-۹۹.
- <https://doi.org/10.22034/bmsp.2023.380128.1833>
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۴۰۱). حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه مصالح عمومی کشور. چاپ اول. تهران: مجد.
- صادقی، محمدهادی (۱۴۰۱). جرایم علیه اشخاص صدمات جسمانی. تهران: میزان. چاپ بیست و سوم.
- صفاری، علی؛ لکی، زینب و صابری، راضیه (۱۴۰۰). تنزل جایگاه اصل قانونمندی در پروتوآیین‌نامه‌ای شدن رکن

قانونی جرایم. مجله حقوقی دادگستری، ۸۵ (۱۱۵)، ۱۵۷-۱۸۷.

<https://doi.org/10.22106/ajlj.2021.136076.3667>

- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). موجبات ضمان. تهران: میزان. چاپ دوم.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۹). حقوق جزای اختصاصی. تهران: دانشگاه تهران. چاپ بیست و یکم.
- معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۱). طرح الحاق یک ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده). تهران: مجلس شورای اسلامی.
- موسوی، سیده روح‌انگیز (۱۳۹۵). بغی و افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی. تهران: گویا. چاپ اول.
- خبرگزاری ایرنا (۱۴۰۲). خبر. شماره ۸۵۲۳۰۰۵۳ (۲۷/۰۶/۱۴۰۲): <https://www.irna.ir/news/85230053> «دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷»
- خبرگزاری یورونیوز (۲۰۲۲). خبر بدون شماره (۰۶/۱۰/۲۰۲۲): <https://parsi.euronews.com/2022/10/06> «دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷»
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۱). جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص. تهران: میزان. چاپ سی و دوم.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۱). حقوق جزای اختصاصی ۲ جرایم علیه مصالح عمومی کشور. تهران: میزان. چاپ چهل و چهارم.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و رهدارپور، حامد (۱۳۹۷). اصل شفافیت قانون و جایگاه آن در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۳ (۸۱)، ۱۹۳-۲۲۰
- نیازی، محسن؛ ذوالفقاری، اکبر و رضایی، الهام (۱۴۰۳). فراترکیب طراحی مدل ابعاد آسیب‌های رسانه‌های اجتماعی مجازی. رسانه، ۳۵ (۱)، ۵۵-۸۱ <https://doi.org/10.22034/bmsp.2023.370077.1805>
- ویژه، محمدرضا (۱۳۹۰). نظارت مراجع صیانت از قانون اساسی بر تضمین اصل شفافیت قوانین. پژوهش‌های حقوقی، ۱۹، ۱۸۱-۲۰۴
- موسوی، سید رضا. بررسی اصل شفافیت در حقوق کیفری. ۱۳۹۷.
- <http://etelayeiran.ir/provinces/10-lorestan/social/1779> «دسترسی ۱۴۰۰/۱۰/۱۰»

- Ashouri, M. (2015). *Alternatives to Prison or Intermediate Sanctions*. Third Publication. Tehran: Gerayesh. [In persian]
- Allahverdi, F. (2017). *Conceptual and Legal Evolutions of Moharebe, Efsade- FeL-Arz and Baghi in Iranian Islamic Criminal law*. First Publication. Tehran: Justice and Knowledge. [In persian]
- Amid Zanjani, A. (2010). *Civil Responsibility*. Second Publication. Tehran: Mizan. [In persian]
- Aqaenia, H. (2022). *Crimes against Body of Persons*. Nineteenth Publication. Tehran: Mizan. [In persian]
- Ardebili, M. A. (2021). *Public Criminal Law*. Twenty fourth Publication. Tehran: Mizan. [In persian]
- Bahreman, H. (2017). The Decarceration Policy in Legislation System of I.R. Iran. *Strategy*, 26(82), 357-382. [In persian]
- Deputy of Laws of the Islamic Council. (2022). proposal to add an article to the *fifth book of the Islamic Penal Code (deterrent sanctions and punishments)*. Tehran, Islamic Council. [In persian]
- Derijani, M., Delir, H., & Ahmadi Mousavi, S. M. (2020). "Pathology of Principle of Lucidity in Iranian Criminal Legislation and Its Relation with Good Governance". *Political Sociology of Iran*, (9), 174-209. [In persian] <https://doi.org/10.30510/psi.2020.113612>
- EuroNews Agency (2022): News (2022.10.06): <https://parsi.euronews.com/2022/10/06> <Access: 1403/01/27> [In persian]
- Goldouzian, I. (2020). *Special Criminal Law*. Twenty one Publication. Tehran: University of Tehran. [In persian]
- IRNA News Agency (2023): News No 85230053 (1402.06.27): <https://www.irna.ir/news/85230053> <Access: 1403/01/27> [In persian]

- Mirmohammadsadeqi, H. (2022). *Crimes against Body of Persons*. Thirty two Publication. Tehran: Mizan. **[In persian]**
- Mirmohammadsadeqi, H. (2022). *Special Criminal Law 2 Crimes against Public Interests of Country*. Fourty fourth Publication. Tehran: Mizan. **[In persian]**
- Moazzenzadegan, H., & Rahdarpour, H. (2018). Principle of Lucidity of Law and its Position in Procedure of Europe Court of Human Law and Iranian Criminal Law. *Judicial Law Views*, (81), 193-220. **[In persian]**
- Mosavi, S. R. (1395). *Baghi and Efsade- Fel-Arz in Islamic Criminal law*. First Publication. Tehran: Giva. **[In persian]**
- Mosavi, S. R. Study of Principle of Lucidity in Criminal Law. (2018): <http://etelayeiran.ir/provinces/10-lorestan/social/1779> <Access: 1400/10/10> **[In persian]**
- Niazi, M., Zolfaqari, A., & Rezaei, A. (2024). Meta-Synthesis of Designing the Model of Dimensions of Virtual Social Media Damages. *Resaneh*, 35(1), 55-81. **[In persian]**
<https://doi.org/10.22034/bmsp.2023.370077.1805>
- Omidi, J. (2015). *Interpretation of Regulations in Criminal Law*. First Publication. Tehran: Mokhtab. **[In persian]**
- Rabbani, M. Houshyar, M. & Rahgoshay, A. (2018). Basics and Guaranties of Principle of legality of Procedure in Iranian Criminal System and Europe Convention of Human Law. *Iranian and International Comparative Legal Research*, 42, 353-380. **[In persian]**
- Ramazani, KH. (2013). *Efsade- Fel-Arz in Viewpoint of Shi'a Jurisprudence and Iranian Criminal Law*. Second Publication. Qom: Bakhshayesh. **[In persian]**
- Rezaei Siabidi, M. (2017). *A Legal and Analytical Study of MOFSede-Fel-Arz*. First Publication. Tehran: Qanoonyar. **[In persian]**
- Sadeqi, M. H. (2022). *Crimes against Persons Bodily Injuries*. Twenty Third Publication. Tehran. Mizan. **[In persian]**
- Saffari, A., Laki, Z., & Saberi, R. (2021). Degradation of the principle of legality In the light of the principle Emphasizing flexibility and regulation of the legal element. *The Judiciary's Law Journal*, 85(115), 157-187. **[In persian]** <https://doi.org/10.22106/jlj.2021.136076.3667>
- Shambayati, H. (2022). *Special Criminal Law Crimes against Public Interests of Country*. First Publication. Tehran: Majd. **[In persian]**
- Solimani Sasani, M., & Shabazi, M (2023). Study of Tendency of Followers to Selebrities among Iranian Users of Instagram. *Resaneh*, 34(4), 71-99. **[In persian]**
<https://doi.org/10.22034/bmsp.2023.380128.1833>
- The Information Base of The Expediency Discernment Council (2023):
<http://maslahat.ir/index.jsp?pageid=402> <Access: < 1402/05/13>. **[In persian]**
- The information base of The Government (2022): News No 395982 (1401/06/22):
www.dolat.ir/detail/395982 <Access: 1402/05/13> **[In persian]**
- Vijeh, M. (2011). The Protection of the Principle of Transparency by Constitutional Courts. *Legal Recherche*, (19), 181-204. **[In persian]**

